

بودجه‌ریزی اجتماعی^۱

ترجمه و تلخیص: رضا امیدی

مقدمه

حمایت اجتماعی^۲ به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در مخارج عمومی کل^۳ به‌شمار می‌آید و حجم بالای آن از کل مخارج، با چالش‌های مداوم سیاسی روبه‌رو است. در اغلب جریان‌های فکری جهانی، این موضوع به‌عنوان مانعی برای انعطاف‌پذیری و عاملی هزینه‌ای برای تولید در نظر گرفته می‌شود که موجب کندی رشد درآمد می‌شود. از این رو، در بسیاری از کشورهای جهان این نگرانی وجود دارد که برنامه‌های حمایت اجتماعی به‌دلیل هزینه‌های زیاد آن، به‌لحاظ اقتصادی قابل تداوم نیست و در عین حال فشارهای اجتماعی برای افزایش آن نیز وجود دارد که بر شدت چالش می‌افزاید.

بر این اساس، کشورهای مختلف انواعی از سیاست‌ها و سازوکارهای محدودکننده را اعمال می‌کنند و از سطح فراگیری جمعیتی و جامعیت خدمات به سمت سیاست‌های هدفمند متمرکز بر گروه‌های خاص اجتماعی و سطح‌بندی خدمات پیش رفته‌اند.

با این وجود، بررسی روند تحولات در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که رونق اقتصادی اگر از طریق نظام حمایت اجتماعی کارا و قابل اعتماد پشتیبانی نشود، نمی‌تواند در دوره‌های بلندمدت زمانی تداوم یابد. نظام حمایتی میزان قابل توجهی از درآمد حاصل از تولید ملی را باز توزیع می‌کند.

شکست سرمایه‌داری بازار (سال‌های دور در آفریقا، اواخر دهه ۹۰ در آسیای جنوبی، به‌صورت مکرر در آمریکای لاتین و در سال‌های اخیر در روسیه فدرال) با فقدان یا تضعیف نظام حمایت اجتماعی، ارتباط معناداری داشته است. در گذشته، حمایت اجتماعی به‌عنوان مانعی در برابر رشد اقتصادی مدنظر بوده و از این رو بسیاری از دولت‌ها به‌صورت جدی به تأمین مالی نظام حمایت اجتماعی توجه نکرده‌اند.

دولت‌ها به‌طور مستمر باید نظام حمایت اجتماعی را با تغییرات محیط اقتصادی، جمعیتی و

۱. این متن برگرفته از فصل‌های ۱ و ۲ کتاب زیر است:

Schutz, Wolfgang & Michael Cichon & Krzysztof Hagemeyer (2000) social budgeting, Geneve, ILO.

2. Social Protection

3. Total Publics Spending

اجتماعی تطبیق دهند. این نیاز در اقتصادهای صنعتی به تقابل با جهانی شدن و تغییرات جمعیتی و در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی، کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه آسیا، اقیانوسیه و آفریقا با فرایندهای تعدیل ساختاری مرتبط است.

در راستای تعدیل ساختاری و کوچک‌سازی دولت، نقش دولت‌ها و آژانس‌های تحت کنترل دولت با چالش جدی مواجه شده و مخارج عمومی در حوزه حمایتی مورد بررسی‌های دقیق انتقادی قرار گرفته است. علاوه بر این در کشورهایی که سهم پرداخت‌های انتقالی^۱ از تولید ناخالص داخلی رو به افزایش بوده است و بخش قابل توجهی از بودجه عمومی دولت به هزینه‌های اجتماعی و رفاهی اختصاص یافته است، سازوکارهای نظارت بر حوزه‌های اجتماعی نیز توسعه یافته است. پیش شرط اساسی برای توسعه سیستم نظارتی در حوزه اجتماعی توجه به این نکته است که سطح پوشش هزینه‌ها چقدر است؟، منابع مالی در کجا هزینه می‌شوند؟ نیازهای اساسی کدامند؟ و هزینه اجتماعی چگونه ممکن است تحت سناریوهای مختلف اقتصادی و اقدامات اصلاحی توسعه یابد؟

بدین منظور، بودجه‌ریزی اجتماعی که متشکل از حسابداری شفاف اجتماعی و سیستم دقیق برآوردی است باید به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در سیاست‌گذاری اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

۱-۱. دو پرسش

در ابتدا باید به دو پرسش اساس پاسخ داد:

• بودجه‌ریزی اجتماعی چیست؟

• چرا کشورها نیاز به بودجه‌ریزی اجتماعی دارند؟

۱-۲. بودجه‌ریزی اجتماعی چیست؟

بودجه‌ریزی اجتماعی از دو عنصر اساسی تشکیل می‌شود: اولین عنصر، ماهیتی آماری دارد و عبارت است از گردآوری روشمند درآمدها و هزینه‌های نظام حمایت اجتماعی کشور. این عنصر سازنده سیستم حسابداری اجتماعی^۲ نامیده می‌شود.

عنصر دوم عبارت است از پیش‌بینی درآمد و هزینه (برآورد بودجه) برای یک دوره زمانی متوسط و شبیه‌سازی هزینه‌ها و درآمدهای اجتماعی براساس اقتصاد جایگزین، جمعیت‌نگاری و قدرت قانونی که این عنصر بودجه اجتماعی^۳ نامیده می‌شود. ما این مفهوم را در چارچوبی گسترده بکار

1. Transfers

2. Social Accounting System (سیستم حسابداری اجتماعی)

3. Social Budget

می‌بریم که تمام کارهای تحلیلی و تفسیری متمرکز بر سیستم حسابداری اجتماعی و تبدیل آن به یک مدل عینی ریاضی کاربردی را در بر می‌گیرد.

بودجه‌ریزی اجتماعی جنبه‌ای انتقادی از بودجه‌ریزی فراگیر دولت و یک فرایند برنامه‌ریزی میان‌مدت است. فرایند بودجه‌ریزی اجتماعی هنگامی کامل می‌شود که اولاً سیستم حسابداری اجتماعی پایه‌ریزی شده و ثانیاً برآوردها اجرا و تفسیر شده باشند.

با این ساختار، بودجه اجتماعی یک بودجه نهادی کلاسیک نیست. بخش سیستم حسابداری اجتماعی که ساختارهایی پایه‌ای را برای ارائه آمار و نتایج برآوردی تعریف می‌کند، فعالیت‌هایی حسابداری برای گردآوری بودجه کل برنامه‌های اجتماعی را شامل می‌شود، این همان چیزی است که در کشورهای عضو اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد؛ گردآوری مجموع هزینه‌ها و درآمدهای اجتماعی ملی در فواصل زمانی منظم.

بنابراین بودجه اجتماعی درآمد و هزینه اجتماعی را نه تنها در نهادهای مستقل اجتماعی، بلکه در تمام سطوح دولت نیز در بر می‌گیرد. همچنین تحت شرایط معینی پرداخت‌های انتقالی بخش خصوصی به خانوارها نیز در بودجه اجتماعی لحاظ می‌شود.

محتوای واقعی بودجه اجتماعی ملی ممکن است بسته به میزان عرضه مزایا توسط ساختار سنتی نظام حمایت اجتماعی ملی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد، اما عناصری هسته‌ای به‌طور مشترک در همه بودجه‌های اجتماعی ملی وجود دارند. این عناصر در بعد هزینه‌ای عبارتند از:

● هزینه تأمین اجتماعی بر مبنای اشتغال (اشتغال‌محور)

- مستمری بازنشستگی^۱ (از طریق نهادهای مختلف و یا دولت)

- مراقبت بهداشتی

- مقرری‌های بیکاری^۲

● هزینه حمایت اجتماعی که عمدتاً شامل موارد زیر است:

- مزایای خانواده^۳

- مراقبت بهداشتی

- مساعدت اجتماعی

مزایای مالیاتی^۴ (به‌عنوان مثال کاهش نرخ مالیات با توجه به تعداد فرزندان)

-
1. Pensions
 2. unemployment Benefits
 3. Family Benefits
 4. Tax Benefits

در بُعد درآمدها تمام منابع مورد استفاده برای تأمین هزینه‌ها محاسبه می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: حق بیمه‌های تأمین اجتماعی، مالیات‌ها (عمومی یا اختصاصی؛ وضع شده از سوی دولت مرکزی یا منطقه‌ای یا محلی) و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری. بر این اساس بودجه اجتماعی عبارت است از یک حسابداری فشرده از وضعیت‌های مالی گذشته و مورد انتظار از یک سیستم توزیع مزایای اجتماعی فراگیر.

۳-۱. چرا کشورها به بودجه اجتماعی نیاز دارند؟

بسته به سطح توسعه‌یافتگی، کشورها بین ۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود را از طریق نظام حمایت اجتماعی ملی بازتوزیع می‌کنند. این نظام‌ها از طریق دریافت مالیات‌ها یا حق بیمه‌ها تأمین مالی می‌شوند و منابع حاصله را در قالب مساعدت اجتماعی، حقوق ایام بیماری، مستمری بازنشستگی، خدمات بهداشتی یا اجتماعی و... به ذینفعان انتقال می‌دهند. این بازتوزیع تأثیری اساسی بر توزیع درآمد، سطح، ساختار و هزینه‌های تولید، بودجه دولت، میزان و تخصیص تقاضای کل و به‌طور کلی در رفتار اقتصادی سرمایه‌گذاران و ذینفعان و همچنین بر توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد.

نظام حمایت اجتماعی می‌تواند مردم را از دایره فقر بیرون بکشد و یا از افتادن افراد در دام فقر جلوگیری کند و درآمدی را برای افرادی که به‌صورت موقت یا ناخواسته فاقد شغل و درآمدند فراهم می‌آورد و ممکن است حتی حمایت‌های درآمدی (مثلاً پرداخت‌های تکمیلی) را برای افراد نیازمند و کم‌درآمد ارائه دهد. در همه این حالت‌ها، حمایت اجتماعی تسکین رنج‌ها و سختی‌ها را موجب می‌شود و یا فرد را حتی اگر در فرایند درآمدزایی کشور مشارکت طولانی مدتی نکرده باشد، در درآمدها سهیم می‌کند.

نظام حمایت اجتماعی همچنین رشد اقتصادی را از طریق تأثیر مثبت بر عوامل تولید پشتیبانی می‌کند؛ مثلاً از طریق حفظ آرامش اجتماعی، تأثیر مثبت بر سلامت کارکنان، طرح‌های بازنشستگی پیش از موعد و یا اثرات بهینه‌سازی اقدامات تأمین فراگیر. البته این دیدگاه هم وجود دارد که هزینه‌های بالای نیروی کار اگر با بهره‌وری بالای نیروی کار جبران نشود چه‌بسا موجب کاهش تقاضا برای نیروی کار می‌شود. اتخاذ تدابیر ناهماهنگ در خصوص نرخ‌های مالیاتی و حق بیمه‌های قانونی می‌تواند موجب تحریف قیمت‌های نهایی و در نتیجه باعث خصوصی‌سازی و کالایی شدن تمام یا بخشی از نیروی کار شود.

تأثیر هر کدام از این اثرات در اقتصادهای مختلف، متفاوت است و در این زمینه بحث‌های نظری گسترده‌ای صورت گرفته است. اما ممکن است در شرایط خاص این تردید وجود داشته

باشد که نظام حمایت اجتماعی به‌عنوان یک مجموعه، اثری عمیق بر ساختار اجتماعی یا برنامه اقتصادی دارد. هدف همه این سیاست‌ها باید حداکثر کردن اثرات مثبت اجتماعی و اقتصادی و حداقل کردن اثرات منفی نظام حمایت اجتماعی باشد. دستیابی به یک تعادل مناسب بین اثرات مثبت و منفی بسته به ارزش‌ها و اولویت‌ها و اثرات اقتصادی و فرهنگی، متفاوت است. ممکن است قاعده‌ای عمومی در مورد چگونگی طراحی یک سیستم وجود نداشته باشد. جدای از طراحی سیستم و سطح حمایت، به هر حال سیستم‌های اداری تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی و اجتماعی نیازمند آنند که به‌صورت دوراندیشانه طراحی و اجرا شده باشند.

یکی از ابزار قدرتمند برای مدیریت کمی نظام حمایت اجتماعی ملی، بودجه‌ریزی اجتماعی است. بودجه‌ریزی اجتماعی دارای دو کارکرد اساسی است: ۱. به‌عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی سیاست اجتماعی عمومی، و ۲. به‌عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی میان‌مدت مالی هدفمند. برنامه‌ریزی مالی ملی کوششی است برای سازگار کردن هزینه عمومی و نیمه‌عمومی با مالیات و درآمدهای مساعدتی که بخشی ضروری از حکمرانی مسئولانه و پاسخگو در هر جامعه‌ای و تحت هر نظام اقتصادی به‌شمار می‌آید. بودجه‌ریزی اجتماعی فرایند تصمیم‌گیری سیاسی در نقطه مشترک و حساس میان سیاستگذاری اجتماعی و برنامه‌ریزی مالی در سطح ملی را پشتیبانی و امکان تحقق اهداف ذیل را فراهم می‌کند:

• ارزیابی اینکه نظام حمایت اجتماعی در گذشته و در شرایط مختلف مالی در جهت تطبیق اقتصاد کلان و بودجه توسعه‌ای عمومی دولت عمل کرده است.

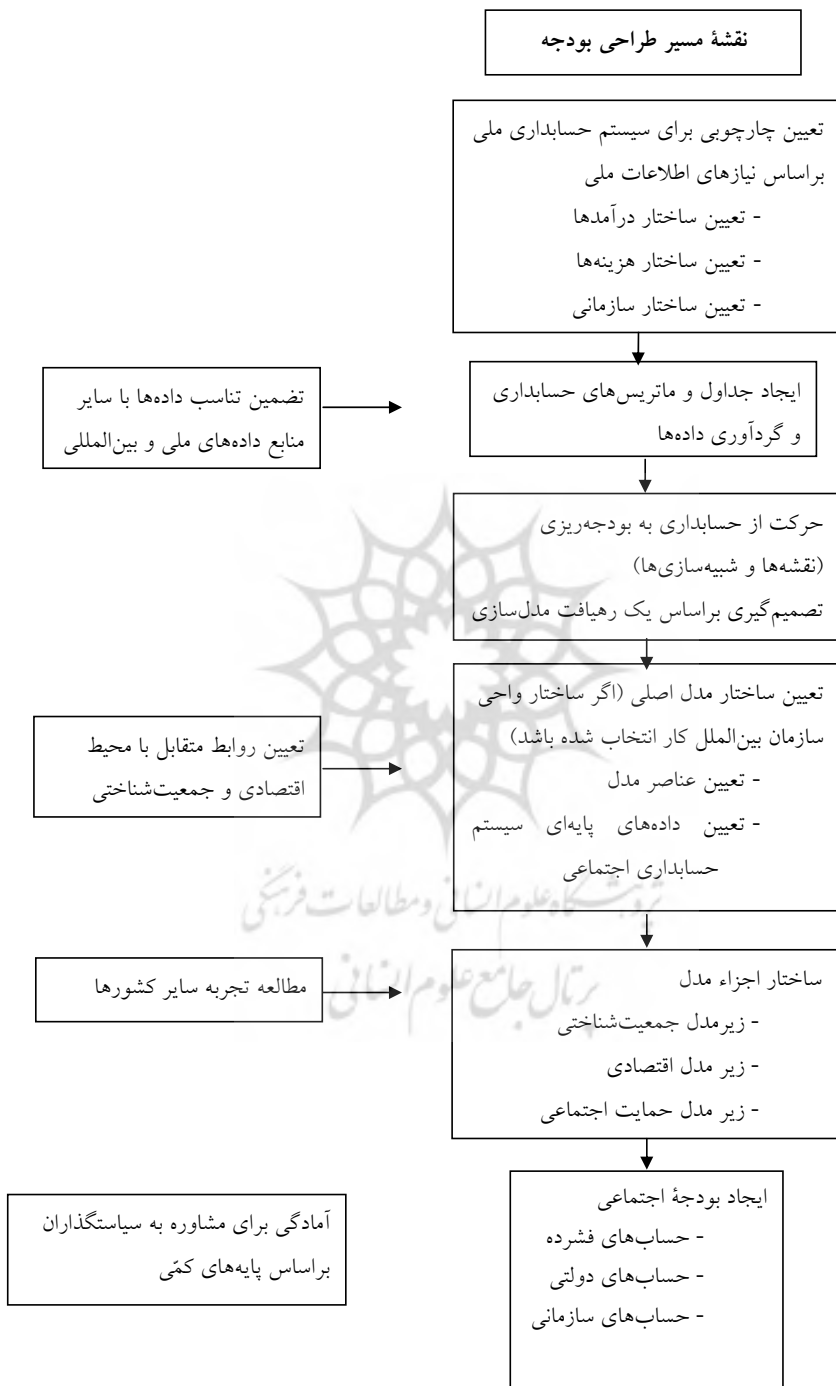
• توصیف اینکه نظام فعلی حمایت اجتماعی در شرایط مالی آینده (به‌عنوان مثال در شرایطی که امکانات مالی دولت و مزایا تغییر کند) چگونه عمل می‌کند. این امر ممکن است تصمیم‌گیران را به تعیین سطحی از هزینه‌ها و حمایت‌های اجتماعی وادار کند. همچنین ممکن است شاخص‌هایی را برای چگونگی ارزیابی توانایی نظام حمایتی در پشتیبانی از توسعه اقتصادی فراهم کند. - اگر چنین است، کدام وجوه (اندوخته‌ها)، در چه زمانی و از سوی کدام سرمایه‌گذاران باید تأمین شوند. و

- اگر چنین نیست، برای تعیین زیرنظام‌های اجتماعی جهت اجتناب از مسائل اجتماعی و مالی بالقوه به چه اصلاحاتی نیاز است.

• پژوهش از راه شبیه‌سازی‌ها؛ کدام اصلاحات در تأمین مزایا و سرمایه‌گذاری موجود ممکن است به بهبود عملکرد سرمایه یا اصلاح اثر اقتصادی و اجتماعی نظام حمایت اجتماعی کمک کند؟ شبیه‌سازی‌ها ابزار قدرتمندی در سیاست‌گذاری‌ها هستند؛ به عبارت دیگر اصلاحات نمی‌تواند در جهان واقعی و به‌صورت عمومی بدون داشتن مخاطره‌های اجتماعی و مالی آزمون و اجرا شود.

یادآوری می‌شود که نظام حمایت اجتماعی به‌عنوان یک سیستم بازتوزیعی، پول را از برخی بازیگران اقتصادی (کارمندان، کارفرمایان، سایر مالیات‌ها و پرداخت‌های توزیعی افراد، مؤسسات و یا بنگاه‌ها) گردآوری و در قالب مزایای عموماً پیچیده و چندوجهی (به‌صورت نقدی یا غیرنقدی) توزیع می‌کند. سیستم توزیع، زیرگروه‌های جمعیتی دریافت‌کننده مزایا را شناسایی می‌کند. یک الگوی بودجه‌ریزی اجتماعی ویژگی‌های کمی این بازتوزیع در حالت‌های سیستماتیک و منظم را ترسیم و اثرات آن را در قالب حساب‌هایی تثبیت می‌کند. نقشه‌برداری از روابط بین اجزاء مختلف مالی الگویی که بر این اساس نظام یافته، کار پیچیده‌ای است. بدون چنین نظم‌بخشی و تثبیتی، طراحی حمایت اجتماعی و مالی ملی به‌صورت بالقوه در معرض اشتباهات و آشفتگی‌هایی قرار خواهد داشت. به‌عنوان مثال اگر دولتی برای کاهش هزینه مستمری‌های سالمندی اقدام به تغییر سن بازنشستگی جمعیت شاغل کند، ممکن است اثر چندانی به‌دنبال نداشته باشد. اگر چه تاکنون در خصوص آثار محتمل چنین اقداماتی بر بازار کار بحث زیادی صورت گرفته اما اثرات ثانویه تا به حال به‌صورت کمی مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند. تغییر در یک شاخص اندازه‌گیری تک‌بعدی مانند «افزایش سن بازنشستگی»، زنجیره‌ای از اثرات مستقیم و ثانویه را به همراه دارد؛ به‌عنوان مثال اشتغال کل ممکن است نسبت به تغییر در سن بازنشستگی واکنش نشان دهد که در این صورت هزینه مقرری‌های بیکاری نیز همچون میزان مساعدت اجتماعی، مزایای مسکن و مالیات افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر، ممکن است مساعدت‌های بیمه درمانی و بیمه بیکاری (از طریق جایگزینی پرداخت‌کنندگان جوان با نان‌آوران سالمند) اثرات مثبتی داشته باشد. اگر تعداد مستمری‌بگیران از کارافتادگی افزایش یابد، ممکن است کاهش هزینه‌ها در یک حوزه تأمین اجتماعی با افزایش هزینه‌ها در حوزه دیگر جبران و یا با اثرات وابسته دیگر حوزه‌ها تقویت شود. این امر ممکن است دولت را ناگزیر به افزایش سهم منابع مالی حمایت اجتماعی کند؛ یعنی ممکن است به همان اندازه که مقرری‌هایی که از محل مالیات تأمین مالی می‌شوند (مسکن، مساعدت اجتماعی و...) افزایش یابند، مقرری‌هایی که از طریق کسورات حق بیمه تأمین مالی می‌شوند، کاهش یابند. در حالی که مدل‌سازی در جستجوی فهم جامعی از عملیات به‌هم‌پیوسته یک سیستم است، مدل بودجه اجتماعی با طراحی مناسب می‌تواند در خصوص اینکه در صورت تغییرات قانونی، چه پیامدهایی ممکن است بروز کند، هشدار بدهد.



۲. طراحی سیستم حسابداری اجتماعی

شکل و ساختار سیستم حسابداری اجتماعی و بودجه اجتماعی به اهدافی که براساس آن طراحی می‌شوند بستگی دارد. سیستم حسابداری اجتماعی یک ابزار حکمرانی برای طرح‌ریزی، کنترل و تحلیل تصمیمات سیاست‌گذاری اجتماعی در سطوح کلان است. این سیستم عبارت است از حساب جامعی از درآمدها و هزینه‌های نظام حمایت اجتماعی در یک کشور. سیستم حسابداری اجتماعی اطلاعات پایه‌ای را برای دولت، بخش عمومی، سیاستمداران، کنشگران اقتصادی (کارکنان و کارفرمایان)، ذینفعان نظام حمایت اجتماعی، مالیات‌دهندگان، و مؤسسات علمی فراهم می‌کند. سیستم حسابداری اجتماعی در یک بافت کلان اقتصادی و مالی، جزئیاتی از نظام حمایت اجتماعی را به دست می‌دهد، اما مسائل خُرد اجتماعی و اقتصادی را نشان نمی‌دهد. پرسش‌های مهمی نظیر کافی بودن سطح مزایای فردی، برابری شرایط مزایا، هم‌ترازی میان حق‌بیمه‌های پرداختی افراد و مزایای دریافتی‌شان، تأثیر هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی بر توزیع درآمد خانوارها و سئوالات بسیار دیگری که ممکن است با استفاده از سایر منابع اطلاعاتی بررسی شوند. در واقع به منظور هدف‌گذاری خردمندانه برای اقدامات بودجه اجتماعی بر پایه سیستم حسابداری اجتماعی، اطلاعات فراوانی در خصوص مسائل خُرد مورد نیاز است.

۱-۲. اصول طرح‌ریزی یک سیستم حسابداری اجتماعی

۱. سیستم حسابداری اجتماعی باید به گونه‌ای طراحی شود که به‌طور سنجیده با سایر سیستم‌های اطلاعاتی و به‌ویژه با سیستم حساب‌های ملی^۱ که در سطح جهان به‌عنوان پایه‌ای روشن‌مند در گردآوری حساب‌های ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مرتبط باشد.
۲. محدوده آماری سیستم حسابداری اجتماعی باید نظام حمایت اجتماعی را به شیوه‌ای معنادار و جامع پوشش دهد؛
 - با رعایت جامعیت: باید همه هزینه‌ها (و درآمدهای مرتبط‌شان) را بدون در نظر گرفتن منابع مالی آن‌ها در بر گیرد.
 - با رعایت معناداری: باید فقط هزینه‌های اجتماعی را پوشش دهد؛ اندوخته شخصی داوطلبانه نباید بر یک اصل اجباری هزینه شود، زیرا پذیرش این امر انتخابی است فردی که نباید مشمول این بحث شود (حساب‌های پس‌انداز شخصی، بیمه عمر).
۳. سیستم حسابداری اجتماعی باید دانش پیشینی احتمالات را درباره چگونگی نظم‌دادن به بودجه حمایت اجتماعی منعکس کند؛ بر این اساس «درآمدها» باید یا پرداخت‌های به نهادهای

سیستم را با دسته‌بندی‌های قانونی (کارکنان، کارفرمایان، دولت و سایر) بازتاب دهد و یا درآمدها را براساس منابع اقتصادی‌شان (بنگاه‌ها، بخش عمومی، کارهای خانگی و سایر) دسته‌بندی کند یا هر دو و «هزینه‌ها» باید براساس نهادهای اداری سیستم یا براساس عملکردهای اجتماعی اقدامات خیریه یا هر دو ارائه شده باشد.

۴. طرح سیستم حسابداری اجتماعی باید سنجش‌های بین‌المللی را در نظر بگیرد. (واقع‌گرایی روشمند برای تضمین آن ضروری است).

دو نکته مهم باید در اینجا یادآوری شود. اولین مورد «پیش‌بینی‌های احتیاطی» است. تعریف‌ها و تبیین‌های روشمند، به‌ویژه اگر در یک چشم‌انداز بین‌المللی نگاشته شود، تنگنایی را به‌وجود می‌آورد که یا بسیار انتزاعی است و یا بسیار عینی و ملموس. مزیت انتزاعی بودن این است که چه‌بسا تعاریف و تبیین‌ها بتواند واقعیت‌ها را در اکثر کشورها پوشش دهند، از معایب آن نیز این است که بعضی مخاطبان ممکن است به‌کار بستن این تعاریف و تبیین‌ها را در کشور خودشان به‌دلیل فقدان معناداری مشکل ببینند. این مشکل را می‌توان با عینی‌کردن ساختار تعریف برطرف کرد.

اما اشکال دیگری که می‌تواند وجود داشته باشد این‌که ممکن است مخاطبان درک درستی از مسائل مربوط به خودشان نداشته باشند. همچنین به‌کار بستن تعاریف در زمینه یک کشور خاص ممکن است دشوار باشد.

در ادامه، برای یافتن راهی میانه برای اجتناب از تعاریفی که بسیار انتزاعی یا بسیار عینی هستند، تلاش می‌کنیم. نکته دوم این‌که مخاطبانی که با روش‌ها و تعاریف سیستم حسابداری ملی آشنایی دارند، بسیاری از تعاریف و تبیین‌های روشمند آتی را با توجه به جنبه‌های معادل حسابداری ملی به استثنای ساختار کارکردی پیشنهادی سیستم حسابداری اجتماعی درک خواهند کرد.

با وجود آن‌که ممکن است اطلاعات فراوان آماری مورد نیاز برای ایجاد یک سیستم حسابداری اجتماعی در حساب‌های ملی وجود داشته باشد، اما غالباً طبقه‌بندی آمارهای ملی ماهیت کارکردی ندارد. در واقع تجربه بین‌المللی در کشورهایی که از سیستم حسابداری اجتماعی پیشرفته‌ای برخوردارند (به‌ویژه اتحادیه اروپا) نشان می‌دهد که طبقه‌بندی حساب‌های متعلق به آنها بر مبنای کارکرد، یک «ویژگی» است که محتویات اطلاعات سیستم حسابداری اجتماعی را از اطلاعات موجود در حساب‌های ملی متمایز می‌کند.

۳. روش‌شناسی و پایگاه داده‌ها

۳-۱. طبقه‌بندی استاندارد درآمد و هزینه

ایجاد «پایگاه داده‌ها» برای بودجه اجتماعی، کار ساده‌ای نیست. مسئله اصلی، تعیین و تدوین یک طبقه‌بندی معنادار از درآمدها و هزینه‌هایی است که تحت سرفصل‌هایی، تفاوت ارقام درآمدها و هزینه‌های نهادهای مختلف را نشان می‌دهد. این سرفصل‌های یکسان امکان تفسیر منطقی و عمیق نتایج سیستم حسابداری اجتماعی (و بودجه اجتماعی) را فراهم می‌آورند، اما در عین حال باید توجه داشت که برای حفظ سطح معینی از توان تبیینی، نباید خیلی جزئی باشند. در اصل دامنه فرایند طبقه‌بندی دامنه گسترده‌ای از اطلاعات را دربرمی‌گیرد؛ از اطلاعات بسیار جزئی مثل ردیف‌های مجزای بودجه دولت یا حساب‌های تأمین اجتماعی تا اطلاعات بسیار کلی که ممکن است کل هزینه‌های اجتماعی یا کل درآمدهای آن نهاد باشد. از این‌رو برای نگهداری داده‌های اصلی بودجه اجتماعی با قابلیت مدیریت بالا، باید نوعی طبقه‌بندی را به کار گرفت که بین دو حد باشد.

روند پایه‌ریزی سیستم حسابداری اجتماعی با چالش‌ها و نارسایی‌هایی مواجه است. به‌عنوان

مثال:

- ممکن است ردیف‌های بودجه‌ای سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای یک کشور تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشند، یا ردیف‌های درآمدی و هزینه‌ای با جزییات کاملاً متفاوتی تعیین شده باشند.
- ممکن است سطح و نوع منابع و مصارف سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای بسیار متفاوت باشد.
- ممکن است مزایای پرداختی صندوق‌ها با توجه به اهداف سیاست‌گذاری اجتماعی که دنبال می‌کنند، بسیار متفاوت باشد. عواملی نظیر تعداد جمعیت تحت پوشش هر صندوق، ترکیب درآمدی و سنی افراد تحت پوشش هر صندوق، و... در تفاوت در منابع و مصارف تعیین‌کننده است. روندها و تحولات تاریخی صندوق‌های مختلف ممکن است ساختارهای هزینه‌ای و درآمدی متفاوتی را به‌وجود آورده باشد و این امر یکسان کردن قواعد و سازوکارهای درآمدی و هزینه‌ای صندوق‌ها را دشوار کند.

در این شرایط، ایجاد یک سیستم حسابداری اجتماعی تحت به‌معنای ابداع یک چارچوب پایدار روش‌شناسانه است که یک تفسیر معنادار اقتصادی و اجتماعی را از ساختار و توسعه سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های بیمه‌ای بصورت با هم یا مجزا، در لحظه معینی از زمان (ایستا) یا در دوره‌های بلندمدت زمانی (مثل سری‌های زمانی)، در گذشته یا معطوف به آینده، امکان‌پذیر می‌کند. به‌عبارت دیگر، چند نوع طبقه‌بندی یکسان برای ردیف‌های متفاوت بودجه باید شناسایی شود که نه تنها متضمن مقایسه منطقی نهادهای متفاوت باشد بلکه ثبات روش‌مندی

را نیز در طول زمان به‌همراه داشته باشد. ثبات تعاریف از نظر زمانی برای پایه‌ریزی موفق یک سیستم حسابداری مثل سیستم حسابداری اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایجاد یک چارچوب روشمند سیستم حسابداری اجتماعی پایدار و مستقل از تغییرات، بسیار دشوار است اما این موضوع برای اقتصادهای در حال گذار بسیار ضروری است. البته ممکن است در نتیجه تغییر و اصلاح در قوانین حمایتی و بیمه‌ای، سرفصل‌ها و ردیف‌های بودجه‌ای جدیدی به نظام بودجه‌ای و سیستم حسابداری اجتماعی اضافه شود.

برای امکان پاسخگویی به چنین مسائلی و به‌منظور ایجاد داده‌هایی پایه‌ای برای ایجاد سیستم حسابداری اجتماعی بهتر است که یک کار آماری برای تعریف انواع درآمدها و هزینه‌ها از منظر متفاوت صورت پذیرد. این انواع عبارتند از:

● **درآمد براساس:**

- مقوله قانونی

- منابع

● **هزینه براساس:**

- مقوله اقتصادی

- کارکرد

همچنین طبقه‌بندی داده‌ها برای «نهادینه کردن» سیستم حسابداری اجتماعی مورد نیاز است. بدیهی است فهم کامل تمام جنبه‌های آماری و متدلوژیک یک سیستم حسابداری اجتماعی تنها در صورتی میسر است که با فهم همزمان سیستم حسابداری ملی همراه باشد. درک متدلوژی سیستم حسابداری ملی نه تنها دستیابی به برداشتی از شباهت‌های روشمند یک سیستم حسابداری اجتماعی مرتبط با سیستم حسابداری ملی را آسان می‌کند، بلکه به درک جنبه‌هایی از سیستم حسابداری اجتماعی که ممکن است آن را از اطلاعات آماده‌شده بوسیله سیستم حسابداری ملی متمایز می‌کند، کمک کند. باید به این امر توجه داشت که فهم کامل متدلوژی سیستم حسابداری اجتماعی به‌خودی‌خود مهم نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد این است که ضمن کمک کردن به فهم کامل نتایج آماری و برنامه‌ریزی‌شده بودجه اجتماعی، از سوء تعبیر اطلاعات جلوگیری می‌کند.

فهرست ۱.

۱-۱-۳. انواع درآمدها

یک فهرست احتمالی از انواع درآمدها می‌تواند شامل طبقات زیر باشد:

● سهم‌های حق بیمه^۱

- حق بیمه کارمندان

- حق بیمه واقعی کارفرمایان

- حق بیمه نسبی کارفرمایان

- حق بیمه‌های ذینفعان

- حق بیمه خویش‌فرمایان (افراد دارای شغل آزاد)

- حق بیمه دولت (شامل کارگزاری‌های دولتی) به جای ذینفعان

● یارانه‌ها^۲

- یارانه‌های دولتی به مؤسسات تأمین اجتماعی برای جبران کسری درآمد

- پرداخت‌های انتقالی ثابت دولتی به مؤسسات تأمین اجتماعی

- پرداخت‌های انتقالی از سوی هیأت‌های بین‌المللی عمومی

- تخفیف‌های مالیاتی در قالب هزینه‌های غیرمستقیم اجتماعی (مزایای مالیاتی)

- سایر کمک‌های مالی از محل منابع عمومی

● سایر درآمدها

- پرداخت‌های ویژه

- سایر کمک‌های مالی

- سودهای سرمایه‌گذاری

- سایر درآمدها

- پرداخت‌های جبرانی^۳

- وجوه جبرانی دریافت‌شده (بازپرداخت‌ها) از سایر مؤسسات بابت پرداخت‌های نقدی.

براساس عملکرد بین‌المللی و منطبق با متدلوژی سیستم حسابداری ملی، وام‌ها و اعتبارات

بانکی در محاسبه در نظر گرفته نمی‌شوند.

باید به این نکته توجه کرد «خلاصه‌کردن سرفصل‌ها» در بالای گروه‌های انواع درآمد صرفاً

1. Contributions

2. Subsidies

3. Offsets

برای کمک به فهم خوانندگان است. این سر فصل‌ها می‌توانند به عنوان یک راهنمای اولیه برای نام‌گذاری زیرمجموعه‌های درآمدهای بودجه اجتماعی عمل کنند؛ اما این ساختار باید برای هر کشوری براساس ویژگی‌های خاص آن طراحی شود. این نکته نیز باید مورد تأکید قرار گیرد که فهرست پیشنهادی تنها یک احتمال از میان احتمالات فراوان را ارائه می‌کند. در یک کشور خاص، فهرست واقعی انواع درآمدها ممکن است شامل موارد بیشتر یا کمتری باشد. این امر به قوانین حمایت اجتماعی بستگی دارد. به‌عنوان مثال برخی کشورها حق بیمه‌های اجباری را برای مزایای قانونی مقرر می‌کنند (بازنشستگان حق بیمه‌هایی را برای بیمه خدمات درمانی‌شان پرداخت می‌کنند و یا اشخاص بیکار کسوراتی را برای بیمه خدمات درمانی و بازنشستگی‌شان می‌پردازند) و دیگر کشورها فاقد چنین مقرراتی هستند. بعضی کشورها ممکن است پرداخت‌های انتقالی ثابتی را از محل بودجه دولتی به سیستم حمایت اجتماعی داشته باشند؛ برخی دیگر نداشته باشند. همچنین این فهرست باید براساس شرایط واقعی هر کشور تنظیم شود. بنابراین فهرست به اصلاحات سیستم حمایت اجتماعی کشور نیز بستگی دارد. در یک زمان معین، کشورها ممکن است فاقد برخی ردیف‌های مشخص درآمدهای باشند، اما در زمان دیگر آن را طرح کنند؛ همچنین در هنگام طراحی و ایجاد مدل‌های سیستم حسابداری اجتماعی، مقررات باید براساس آن تدوین شوند. به‌طور کلی اینکه تهیه یا اصلاح هر فهرستی برای یک کشور خاص، وابسته و در معرض شرایط و دگرگونی‌های زمانی است.

هنگامی که کشوری تصمیم به ایجاد یک بودجه‌ریزی اجتماعی یکنواخت می‌گیرد، باید راه‌حل آماری و مدل‌های متناسب با شرایط خاص خود را بیابد.

فهرست ۲.

۲-۱-۳. انواع هزینه‌ها

یک فهرست احتمالی از انواع هزینه‌ها ممکن است شامل موارد زیر باشد:

• مستمری‌ها^۱

- مستمری‌های بازنشستگی
- مستمری‌های از کار افتادگی
- مستمری‌های زنان و مردان بیوه
- مستمری‌های یتیمان

- سایر مستمری‌ها
- «پرداخت‌های مقطوع»^۱ (یکجا) در هنگام بازنشستگی
- پرداخت‌های مقطوع به دلایل دیگر
- مستمری‌های پرداخت شده از خارج
- «مخارج کفن و دفن»^۲ / «مستمری بازماندگی»^۳

● اشتغال

- پرداخت‌های نقدی در حین آموزش شغلی
- پرداخت‌های نقدی در سایر اشکال حمایتی تحرک بازار کار
- مقرری ایام بیکاری^۴
- سایر کمک‌های درآمدی در هنگام بیکاری
- سایر هزینه‌های مرتبط با بازار کار

● هزینه‌های توانبخشی^۵

- پرداخت‌های نقدی در قالب خدمات توانبخشی
- سایر هزینه‌های مرتبط با خدمات توانبخشی

● مزایا مربوط به خانواده

- مزایای عائله‌مندی (حق اولاد)
- هزینه‌های مربوط به جوانان
- پرداخت اضافه حقوق به خانواده
- کمک هزینه ایام بارداری
- سایر پرداخت‌های مربوط به خانواده

● بهداشت و درمان

- هزینه‌های مستقیم درمان سرپایی
- هزینه‌های مستقیم درمان بستری (بیمارستانی)
- هزینه‌های مستقیم درمان دندانپزشکی
- هزینه‌های مستقیم دندان‌های مصنوعی
- هزینه‌های مستقیم مواد دارویی

1. Lump – Sum Payments
2. Faneral Benefits
3. Death Benefits
4. Unemployment Benefits
5. Rehabilitation Expenses

- باز پرداخت هزینه‌های درمانی خانوار
- باز پرداخت هزینه‌های درمانی متحمل شده در خارج
- هزینه‌های مستقیم خدمات بهداشت و درمان عمومی
- هزینه‌های مستقیم سایر مخارج مربوط به بهداشت و درمان
- استمرار پرداخت حقوق در دوران بیماری
- کمک هزینه‌های نقدی ایام بیماری
- سایر پرداخت‌های نقدی مربوط به بهداشت و درمان

• مسکن

- کمک هزینه اجاره
- کمک هزینه‌های کاهش سود و پرداخت‌های سالیانه
- تخفیف‌های مالیاتی برای مسکن‌هایی که خود مالک در آن ساکن است.
- سایر کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با مسکن

• دستگاه اجرایی

- حقوق و دستمزدهای پرداختی به پرسنل اداری سیستم حمایت اجتماعی
- مخارج هیأت‌های خودگران سیستم حمایت اجتماعی
- سایر هزینه‌های مستقیم مرتبط با اداره کردن سیستم حمایت اجتماعی

• سایر انواع هزینه

- سایر مزایای جایگزینی درآمد
- سایر مخارج کمک درآمد
- هزینه‌های خدمات حمایتی خاص اجتماعی
- کمک‌های بلاعوض
- سایر مخارج حمایت اجتماعی در خارج

پرداخت‌های جبرانی

- پرداخت‌های جبرانی نهادهایی که مستمری پرداخت می‌کنند.
در اینجا نیز برحسب تجربه بین‌المللی و سازگاری با متدلوژی سیستم حسابداری ملی، وام‌ها و اعتبارات بانکی در محاسبات در نظر گرفته نمی‌شوند.
در اینجا نیز هدف از «خلاصه‌کردن سرفصل‌ها» در بالای گروه‌های انواع هزینه‌ها، کمک به فهم خوانندگان از معنای عمومی آن‌ها است. این سرفصل‌ها ممکن است مانند یک راهنمای

مقدماتی برای تجزیه ارقام هزینه کارکردی سیستم حسابداری اجتماعی عمل نمایند. سایر توضیحاتی که درباره انواع درآمدها ارائه شده است، برای انواع هزینه‌ها نیز معتبر است.

۲-۳. ساختار درآمدی سیستم حسابداری اجتماعی

بررسی انواع درآمدهای فهرست‌شده در بخش قبل نشان می‌دهد که داده‌های مختلف می‌توانند به شیوه‌های متعددی دسته‌بندی شوند. پیش‌تر، به اختصار گفته شد که شیوه‌های مشخصی برای انباشت این داده‌ها وجود دارد. در این بخش دو شیوه‌ای که در اکثر کشورها اجرا می‌شود توضیح داده می‌شود.

اولین حالت روش انباشتی یا تجمعی است. حالت دوم پیچیده‌تر است و نیازمند فرایندهای گزارشگیری آماری رسمی و تثبیت‌شده‌ای است و معمولاً باید براساس تکنیک‌های برآوردی ترسیم شود.

۱-۲-۳. درآمدها براساس مقوله قانونی

یک دسته‌بندی رایج براساس روش انباشتی به شرح زیر است:

فهرست ۳.

• سهم حق بیمه‌های اجتماعی

- حق بیمه‌های جمعیت بیمه‌شده
- حق بیمه کارمندان
- حق بیمه خویش‌فرمایان
- حق بیمه ذینفعان
- حق بیمه سایر اشخاص
- حق بیمه پرداخت‌شده توسط مؤسسات عمومی به جای ذینفعان
- حق بیمه‌های کارفرمایان
- حق بیمه‌های واقعی
- حق بیمه‌های نسبی

• یارانه‌ها

- یارانه‌های پرداختی توسط دولت
- یارانه‌های پرداختی از محل دیگر منابع

• سایر درآمدها

• پرداخت‌های انتقالی از سایر مؤسسات

برای تبعیت از این عنوان‌بندی، هر کدام از انواع درآمدها برای ملاحظه اینکه کدامی‌ک از این طبقه‌ها (فهرست ۳) متناسب‌تر است، باید بازبینی شود (براساس فهرست ۱). در بسیاری حالات این امر آشکار خواهد بود، اما در مواقعی جایابی صحیح ممکن است چندان روشن نباشد. بر این اساس یک بررسی دقیق از قوانین مربوطه که به‌صورتی طبیعی به یافتن یک راه‌حل مناسب کمک می‌کند، باید پذیرفته شود. گاهی لازم است طبقه‌بندی باتوجه به شرایط ویژه به‌صورت موقتی تعیین شود.

این ساختار براساس مقولات قانونی برای هر کدام از مؤسسات سیستم حسابداری اجتماعی به‌کار گرفته می‌شود. مفهوم سهم حق بیمه اجتماعی به پرداخت اجباری یا داوطلبانه هر فرد به یک مؤسسه تأمین اجتماعی اطلاق می‌شود که میزان آن به‌صورت درصدی قطعی از درآمد فرد و یا به‌صورت یک میزان یا سرانه ثابت است. این سهم براساس درآمد کل فرد و یا تنها براساس یک طبقه‌بندی درآمدی محاسبه شده است و به‌طور مستقیم با مزایای فردی ارتباط دارد. در ادبیات اقتصادی گاهی حق بیمه مترادف با مالیات در نظر گرفته می‌شود، اما سهم‌های حق بیمه حتی اگر در صندوق‌های مشترک عمومی ذخیره شوند، مالیات به‌شمار نمی‌آیند، زیرا این پرداخت حقی فردی را برای دریافت مقرری در هنگام پیشامدهای احتمالی بیمه‌شده ایجاد می‌کند. در اینجا مالیات تنها به‌عنوان پرداختی اجباری و قانونی به دولت در نظر گرفته می‌شود، و نه به‌عنوان تعیین‌کننده استحقاق دریافت مزایا.

تفاوت میان سهم‌های حق بیمه کارمندان و کارفرمایان بر مبنای قوانین تعیین می‌شود و بازتاب‌دهنده تعهد در پرداخت است. حق بیمه در صورتی «حق بیمه کارمندی» نامیده می‌شود که هم قوانین و هم ترتیبات فنی (قانونی یا عملی) تصریح کنند که کارفرما باید به سود کارمند، حق بیمه‌ها را به مؤسسه تأمین اجتماعی انتقال دهد.

حق بیمه‌های نسبی کارفرما برای نشان‌دادن هزینه‌های کل نیروی کار هنگام تنظیم توزیع اولیه تولید ناخالص داخلی تعریف شده است. با فرض اینکه یک کارفرما خارج از گردش کار تجاری رایج (خارج از درآمد مالیاتی رایج در صورتی که کارفرما دولت باشد) مزایای اجتماعی را به‌طور مستقیم به کارمندان پرداخت می‌کند، پس هیچ کسر حق بیمه‌ای بر درآمد افراد تحمیل نشده است. هرگونه مزایایی که به‌عنوان بخشی از هزینه کل نیروی کار برای کارفرما ارزیابی شده است، نباید نادیده گرفته شود. البته حق بیمه‌های نسبی برآوردی هستند. برآورد میزان حق بیمه

نسبی بر این فرض استوار است که مزایای خاص به صورت کامل از طریق حق بیمه‌های جاری^۱ تخمینی پوشش داده می‌شود.

یارانه‌ها عبارتند از تمام دریافت‌های انتقالی از سوی مؤسسات تأمین اجتماعی - پرداخت‌های انتقالی برای جبران کسری درآمدی یا به‌عنوان جزیی از حق بیمه - که به صورت مؤثری نرخ‌های حق بیمه انفرادی را کاهش می‌دهند. این پرداخت‌ها ممکن است از محل بودجه دولت و یا از سوی بنگاه‌های عمومی صورت پذیرد. مفهوم «یارانه» در اینجا وسیع‌تر از آنچه در سیستم حسابداری ملی است، مورد استفاده قرار گرفته و آن اینکه یارانه‌ها پرداخت‌های یک‌طرفه مستمری است که واحدهای دولتی برای بنگاه‌ها و شرکت‌های عمومی به‌منظور کاهش قیمت‌ها وضع می‌کنند. سایر درآمدها عبارتند از درآمد سرمایه، جریمه‌ها و غیره و پرداخت‌های انتقالی از سوی سایر مؤسسات.

مزیت عمده این طبقه‌بندی این است که فهم آن برای استفاده‌کنندگان بالقوه سیستم حسابداری اجتماعی به دلیل نشان‌دادن عناصر بافت اجتماعی بسیاری از کشورها، آسان است. حقوق‌دانان، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، اقتصاددانان و سایر علاقمندان می‌توانند فهم مستقیمی از سطح و ساختار درآمدهای سیستم حسابداری اجتماعی و بودجه اجتماعی داشته باشند. این اطلاعات در مباحث اقتصاد خرد برای تحلیل اثرات ساختار مالی اجتماعی یک کشور بر هزینه‌های نیروی کار و درآمد قابل تصرف خانوارها از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به مقبولیت این ساختار بین‌المللی، این نوع طبقه‌بندی احتمالاً در هنگام استفاده در مقایسه‌های بین‌المللی سیستم‌های حمایت اجتماعی، مناقشات کمتری را به‌همراه خواهد داشت.

تعاریف سرفصل‌ها به‌طور روشمند با سیستم حسابداری ملی مرتبط شده‌اند؛ به‌عنوان مثال در آلمان یک برنامه کاربردی درباره برآورد درآمدی سیستم حسابداری اجتماعی براساس مقوله‌های قانونی وجود دارد و تمام مؤسسات حسابداری اجتماعی (حدود ۳۰ مؤسسه) ساختار مشابهی از اطلاعات را برای دوره‌ای بیش از ۴۰ سال به‌کار می‌گیرند و از این‌رو مبنای استواری را ایجاد کرده‌اند برای: ۱. تحلیل تجربی بازار کار و اثرات اقتصادی بر بخش درآمدی سیستم در گذشته، ۲. واکنش به تغییرات در قوانین، ۳. تدوین فرضیه‌ها براساس تحولات آینده در چارچوب بازار کار فرضی، تحولات اقتصادی و قانونی (مدل‌سازی). به غیر از کاربرد در مدلسازی، این سری‌های بلندمدت زمانی، اطلاعات دقیق آماری را براساس تاریخ سیاست‌های اجتماعی پس از جنگ در آلمان ارائه می‌دهند.

۲-۲-۳. درآمدها براساس بخش اقتصاد

دومین حالت برای طبقه‌بندی درآمدها؛ طبقه‌بندی براساس بخش اقتصاد است. برای فهم این طبقه‌بندی، برخی منابع باید مجدداً در سیستم حسابداری ملی ساخته شوند که در اصل براساس تئوری چرخه‌ای جریان‌های سرمایه‌گذاری درون یک اقتصاد و میان اقتصادها پایه‌گذاری شده است. در سیستم حسابداری ملی، یک اقتصاد ملی ممکن است در قالب بخش‌های زیر طبقه‌بندی شود.

فهرست ۴.

● بنگاه‌ها

- بنگاه‌های بخش ۱
- بنگاه‌های بخش ۲
- بنگاه‌های بخش n

● بخش دولتی

- دولت مرکزی
- دولت‌های استانی
- دولت‌های محلی (شهرداری‌ها)
- مؤسسات تأمین اجتماعی

● خانوارها

- خانوارهای نوع ۱
- خانوارهای نوع ۲
- خانوارهای نوع m

● سازمان‌های خصوصی

- سازمان خصوصی ۱
- سازمان خصوصی ۲
- سازمان خصوصی k

● سایر بنگاه‌ها

همه این بخش‌ها از طریق فعالیت‌های اقتصادی با نظام حمایت اجتماعی یک کشور (و به‌صورت بالقوه با نظام‌های حمایت اجتماعی در خارج) مرتبط شده‌اند.

یک مشکل آماری عمده در این دسته‌بندی این است که معمولاً نیازمند اطلاعات عددی قابل



توجه و تخمین‌های فراوان آماری است. به‌عنوان مثال، برای تخصیص حق بیمه‌های کارفرمایان به بخش‌های مختلف اقتصادی، دانستن سهم‌های مطلق یا نسبی حق بیمه پرداختی کارفرمایان در بخش‌های مختلف ضروری است. این اطلاعات معمولاً تنها هنگامی قابل دسترسی است که سیستم گزارشگیری پیشرفته آماری در سطح ملی وجود داشته باشد.

کمبودهای اطلاعاتی را می‌توان از طریق کاربرد شاخص‌های آماری در مورد مجموع حقوق مشمول کسورات حق بیمه در بخش‌های مختلف اقتصادی برطرف، و سپس توزیع بخشی حق بیمه‌ها را براساس آن برآورد کرد. اما اگر اطلاعات درباره ساختار بخشی اقتصاد کم باشد، بیشتر برآوردهایی که در مرحله مشخصی از کار استفاده شده ممکن است نتایج نامعتبری را به‌دست دهد. یکی از اهداف اصلی ایجاد سیستم حسابداری اجتماعی، استفاده از آن به‌عنوان یک مبنای برآوردی است. برای چنین کارکردی، باید متغیرهای دیگری در بخش‌های مختلف اقتصادی (میزان استخدام نیروی کار بخش، حقوق متوسط بخش، بهره‌وری بخش، نرخ‌های حق بیمه بخش) اگر قابل اجرا باشد (و...) طراحی شود. برنامه‌ریزی بخشی اقتصادها معمولاً نیازمند زیربنای پرهزینه و پیچیده‌ای برای پشتیبانی است که کار اقتصادسنجی زیادی را می‌طلبد و ممکن است روزآمد کردن آن نیز پرهزینه باشد. بنابراین قبل از معرفی طبقه‌بندی بخشی درآمدهای سیستم حسابداری اجتماعی، باید این موضوع به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد که آیا اطلاعات ضروری برای انجام چنین کاری و ابزار تحلیلی استفاده مؤثر از این اطلاعات در یک دوره بلندمدت زمانی، در دسترس است یا نه.

۳-۳. ترکیب هزینه‌های سیستم حسابداری اجتماعی

انواع هزینه‌های طبقه‌بندی‌شده در بخش ۲-۱-۳ پایه‌هایی برای گردآوری هزینه‌های سیستم حسابداری اجتماعی هستند. از لحاظ نظری تمام داده‌ها می‌توانند به‌صورت مجزا و غیرتجمعی در حد نیاز و در چارچوب فهرستی از انواع هزینه‌ها باقی بمانند. غالباً در عمل دو شیوه متفاوت برای دقت در هزینه‌های اجتماعی وجود دارد. ۱. دسته‌بندی هزینه‌ها براساس مقوله اقتصادی که به لحاظ فنی به‌معنای پردازش داده‌های اساسی به شیوه‌ای است که متداولی و تعاریف سیستم حسابداری ملی را تأمین می‌کند. ۲. دسته‌بندی داده‌های آماری از طریق «کارکرد اجتماعی».

۳-۳-۱. هزینه‌ها بر مبنای مقوله اقتصادی

یک حالت موجود برای دسته‌بندی هزینه‌های سیستم حسابداری اجتماعی بر مبنای مقوله اقتصادی به‌صورت زیر است:

فهرست ۵.

- جایگزینه‌ای در آمد (مزایای نقدی)
- بازپرداخت‌ها (نقدی)
- کالاها و خدمات (مزایای غیرنقدی)
- خدمات عمومی
 - دستگاه اجرایی (غیرنقدی)
 - خدمات حمایتی (غیرنقدی)
 - کمک‌های بلاعوض (نقدی / غیرنقدی)
- پرداخت‌های انتقالی به سایر مؤسسات (نقدی)

این طبقه‌بندی به صورت‌های زیر با سیستم حسابداری ملی مرتبط می‌شود:

- جایگزینه‌ای درآمدی و بازپرداخت‌ها به ذینفعان در سیستم حمایت اجتماعی بخشی از درآمد قابل تصرف خانوارها است و کالاها و خدمات، خدمات اداری و خدمات حمایتی خاص بخشی از مصرف دولتی هستند؛ کمک‌های بلاعوض ممکن است بخشی از درآمد قابل تصرف خانوار (اگر به صورت نقدی باشد) و یا بخشی از مصرف دولتی باشد (اگر به صورت غیر نقدی باشد).
- «پرداخت‌های انتقالی به سایر مؤسسات» برای به دست آوردن حساب کاملی از هزینه‌های نهادی منظور شده است (در سطح سیستم حسابداری اجتماعی کل پرداخت‌های انتقالی به دیگر مؤسسات و دریافت‌های انتقالی از دیگر مؤسسات با یکدیگر ادغام شده‌اند، لذا مجموع‌شان برابر صفر است).

۲-۳-۳. هزینه‌ها بر مبنای کارکرد اجتماعی

هزینه بر مبنای کارکرد بر توصیف ساختار سیستم حسابداری اجتماعی براساس پیشامدها و مخاطره‌های عمده تحت پوشش اجتماعی، تأکید دارد. فهرست کارکردهای زیر یک طرح احتمالی از این حالت را توصیف می‌کند:

فهرست ۶.

- سالمندی و بازماندگان
- سالمندی
- بازماندگان

● بهداشت و درمان

- پیشگیری و توانبخشی
- بیماری
- آسیب ناشی از کار و بیماری‌های شغلی
- از کار افتادگی

● خانواده

- کودکان و جوانان
- بارداری
- سایر کارکردهای خانواده

● اشتغال

- آموزش شغلی
- تحرک شغلی
- بیکاری

● مسکن

- نیازمندی عمومی (فقر)
- سایر کارکردها

نکته مهم این است که سیستم حسابداری اجتماعی طبقه‌بندی کارکردی را برای تمام هزینه‌ها از جمله هزینه‌های اداری مورد استفاده قرار می‌دهد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هزینه‌های جاری، خرید دارایی‌های سرمایه‌ای ثابت یا معاملات در دارایی‌های مالی مانند تأمین وام‌ها را شامل نمی‌شود و در اصل به ادارات غیرمستقل که در آن هزینه‌ها نمی‌تواند جدای از سایر مخارج باشد و به واحدهایی که قادر به تفکیک هزینه‌های اداری‌شان بر مبنای کارکرد نیستند، اشاره دارد.

طراحی ساختار هزینه‌ای سیستم حسابداری اجتماعی کارکردی چندان هم آسان نیست. به‌عنوان مثال تمام هزینه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان هدف‌گذاری در کاهش یا پیشگیری فقر در نظر گرفته شوند از این‌رو ممکن است ثبت تمام هزینه‌های اجتماعی تحت عنوان «نیازمندی‌های عمومی (فقر)» جذاب و اغواکننده است. یا اینکه تمام هزینه‌های اجتماعی در نهایت به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به‌سوی خانوارها جریان می‌یابد و در نتیجه ممکن است تحت کارکرد «خانواده» فهرست شوند.

برای یافتن راه‌حلی عملی برای این مسئله روش‌شناختی، ضروری است فهم روشی از قوانین یک کشور و

همچنین اهداف قانونی مورد نظر داشته باشیم. هرچند در آن صورت هم ممکن است تصمیم‌گیری در مورد ثبت مزایای خاص آسان نباشد. مجدداً یک حالت حمایت اجتماعی را مثال می‌زنیم. قوانین تحت شرایط مشخصی، مزایایی را در نظر می‌گیرند. به‌عنوان مثال یک قانون می‌تواند تصریح کند که «مزایای نقدی برای پیشگیری از فقر به خانوارها و کودکان پرداخت شود». بخش دیگری از این قانون ممکن است در شرایط معینی پرداخت‌های خاصی را برای افراد بسیار مسن (مثلاً بالای ۷۰ سال) جهت پیشگیری از فقر پیش‌بینی نماید. در این وضعیت سیستم حسابداری اجتماعی که توسط متخصص آمار راه‌اندازی می‌شود ممکن است همچنان با مسئله‌ای جدی در امر تصمیم‌گیری مواجه باشد. آیا باید تمام این مزایا تحت کارکرد «فقر» قرار گیرند؟ یا اینکه در مثال اول باید تحت کارکرد «خانواده» باشند و یا براساس مثال دوم تحت کارکرد «سالمندی»؟ بعضی اوقات تجربه آماری رایج و یا مباحثه عمومی فراگیر در یک کشور می‌تواند به امر تصمیم‌گیری کمک کند. اگر خطوط راهنمای مذکور مبهم یا غیرمعتبر باشند، ممکن است تلاش برای یافتن اینکه قانونگذار در هنگام وضع یک قانون خاص چه چیزی را در ذهن داشته است، صورت گیرد. با توجه به این مثال‌ها، هدف چه بوده است؛ ارتقاء خانواده‌ها یا پیشگیری از فقر؟ اگر این اطلاعات به‌صورتی مبهم باقی بمانند، تعیین جای هزینه‌ها در این دسته‌بندی ماهیت موقتی می‌یابد.

گاهی هم ممکن است اطلاعات آماری لازم برای تعیین اینکه کدام کارکرد برای مشخص کردن جای یک آیتم هزینه‌ای خاص در دسته‌بندی مناسب است، معتبر و دقیق نباشد، و این احتمال وجود دارد که یا میزان کل تحت یک کارکرد نشان داده شود و یا برآوردها برای اختصاص نسبت‌های معینی از این آیتم‌ها به کارکردهای متفاوت مورد استفاده قرار گیرد.

اگر سیستم حسابداری اجتماعی صرفاً برای فراهم کردن یک ابزار اطلاعات ملی طراحی شده باشد، آنگاه عمل جایابی می‌تواند یا براساس مقررات ملی فراگیر و یا براساس تصمیمات غیررسمی خردمندان مبتنی باشد. اما یک سیستم حسابداری اجتماعی (بودجه اجتماعی) معمولاً دارای جنبه‌هایی بین‌المللی نیز هست، زیرا باید مقایسه‌های بین‌المللی سطوح هزینه‌ای اجتماعی را بر مبنای کارکردهای متفاوت مدنظر داشته باشد. بدین‌منظور متناسب کردن عمل جایابی سیستم حسابداری اجتماعی (متدلوژی) به‌صورت بین‌المللی حداقل در محدوده‌ای فراتر از یک کشور و یا با طرف‌های عمده تجاری‌اش ضروری است.

در آلمان، تضعیف سیاست‌های خانواده تا حدود ۴۰ سال پیش، دلیل اصلی کاهش شدید تعداد تولد سالیانه کودکان بوده است. بهداشت و درمان عمدتاً به‌دلیل اعمال موفقیت‌آمیز سیاست‌های درآمدی، تغییر ساختار تقاضای جمعیت برای اقدامات بهینه مراقبت‌های بهداشتی (و کاهش تقاضاهای القایی)، و پیشرفت‌های تکنولوژیک اهمیت قابل توجهی یافته است. این تغییرات سیاستی و صرفه‌جویی‌های ناشی از آن موجب شد تا دولت امکان یابد سهم هزینه‌های سیاستگذاری اشتغال و مقرری‌های بیکاری را به‌میزان قابل توجهی افزایش دهد که نتیجه توجه حمایت اجتماعی به مسائل ساختاری و ادواری رو به افزایش بازار کار بود.

۳-۴. طبقه‌بندی نهادی

رویکرد نهادی، منطبق کردن هزینه‌ها و درآمدهای حمایت اجتماعی را بر اساس ساختار نهادی موجود یک سیستم حمایت اجتماعی مدنظر دارد. در کشورهایی که سیستم حمایت اجتماعی از سوی مؤسساتی جدای از بودجه عمومی دولت اداره شده است، تمام اطلاعات مورد نیاز برای ایجاد سیستم حسابداری اجتماعی در حساب‌های این مؤسسات وجود دارد، اما ممکن است در جزییات وضعیت مخدوشی وجود داشته باشد.

معمولاً علاوه بر مؤسسات تأمین اجتماعی، هزینه‌های اجتماعی‌ای وجود دارند که به‌طور مستقیم در چارچوب بودجه‌های عمومی دولت یا از سوی کارفرمایان از طریق کانال‌هایی همچون بودجه‌های شهرداری پرداخت می‌شوند. در واقع مزایایی وجود دارند که همیشه نمی‌توانند به آسانی با مؤسسات اجتماعی معین ارتباط داده شوند. مثال‌هایی از این نوع مساعدت‌ها عبارتند از: مزایای کارفرمایان یا مستمری‌های بازنشستگی و سایر مزایای کارمندان دولتی و نیروهای مسلح (این مزایا مستقیماً در بودجه‌های سطوح مختلف دولت و به‌صورت معاف از مالیات تأمین می‌شود). در تمام این حالت‌ها برای ایجاد مؤسسات سیستم حسابداری اجتماعی، باید نهادهای «مفهومی» یا «مجازی» ساخته شوند. معیار انجام چنین کاری (وجود یک قانون خاص و یا توافقات الزام‌آور میان کارفرمایان و کارمندان براساس پرداخت مزایای معین است؛ مزایایی که به‌صورت داوطلبانه از سوی کارفرما براساس قوانین یا از طریق تصمیمات قضایی به هر کارمند پرداخت می‌شود، منجر به ایجاد یک نهاد مجزا می‌شود. در بخش درآمدی، نهادهای مجازی تمام درآمدهای مورد نیاز برای تأمین مالی هزینه‌هایشان را در بر می‌گیرند؛ در بخش هزینه‌های این مؤسسات تمامی هزینه‌های پرداختی، به‌علاوه سرمایه‌گذاری در دارایی‌های واقعی که به حفظ پایه‌های عملیاتی برای پرداخت این مزایا نیاز دارند و هزینه‌های خاص اداری را شامل می‌شود. در بعضی از این حالت‌ها ممکن است اطلاعات مورد نیاز بر مبنای سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های اداری در دسترس نباشد، از این‌رو برای پر کردن خلأهای آماری باید ارقام تخمینی مورد استفاده قرار گیرند.

۳-۴-۱. نهادها

فهرست نهادهای ذیل سیستم حسابداری اجتماعی به قانون و موقعیت اجرایی آن در یک کشور بستگی دارد. در اینجا عمدتاً سیستم حسابداری اجتماعی آلمان به‌عنوان یکی از نمونه‌های پیشرفته بررسی می‌شود. سیستم حسابداری اجتماعی آلمان در دو رویکردی نهادی متفاوت طراحی شده است؛ مدل ملی آلمان و مدل اتحادیه اروپا. مدل ملی آلمان در فهرست (۷) آمده است:

فهرست ۷.

● نظام‌های همگانی

- بیمه بازنشستگی
- بیمه بازنشستگی دستمزددبگیران
- بیمه بازنشستگی کارمندان حقوق‌بگیر
- بیمه بازنشستگی کارگران معدن
- بیمه درمان
- بیمه حوادث و بیماری‌های شغلی
- بیمه و مساعدت بیکاری
- مزایای عائله‌مندی
- کمک‌هزینه‌های پرورش کودک

● نظام‌های ویژه

- مساعدت سالمندی برای کشاورزان
- بیمه سالمندی برای مشاغل آزاد

● نظام‌های قانونی (اجباری)

- حقوق بازنشستگی کارمندان دولت
- فوق‌العاده حقوق و دستمزد خانوار کارکنان دولت
- حمایت درمانی کارمندان دولت

● مزایای کارفرمایان

- پرداخت مستمر حقوق در حالت بیماری
- مستمری بازنشستگی تکمیلی کارفرمایان خصوصی
- مستمری بازنشستگی تکمیلی کارفرمایان عمومی
- مزایای داوطلبانه و قراردادی

● نظام‌های جبرانی

- مستمری‌های مصدومان جنگی و مزایای مرتبط
- غرامت‌ها و پرداخت‌های مرتبط
- سایر پرداخت‌های جبرانی

• خدمات و مساعدت‌های اجتماعی

- مساعدت اجتماعی عمومی دولت
- مساعدت جوانان
- ارتقاء آموزشی
- فوق‌العاده مسکن (کمک‌هزینه مسکن)
- خدمات بهداشت و درمان ملی

• مزایای (مالی) غیرمستقیم

- تخفیف‌های مالیات بر درآمد برای اهداف اجتماعی
- یارانه‌های غیرمستقیم برای ترویج مالکیت خانه‌ها
- دومین مدل سیستم حسابداری اجتماعی آلمان، ساختار نهادی را که در میان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا بر آن توافق شده است، نشان می‌دهد:

فهرست ۸.

نهادهای بودجه اجتماعی آلمان براساس طبقه‌بندی اتحادیه اروپا:

• نظام‌های پایه

- نظام‌های ملی

- مزایای عائله‌مندی
- کمک‌هزینه‌های پرورش کودک

نظام‌های عمومی

- بیمه‌های درمانی
- بیمه‌های بازنشستگی
- بیمه‌های بیماری‌ها و حوادث شغلی
- بیمه بیکاری
- پرداخت مستمر حقوق در حالت بیماری

- نظام‌های ویژه

نظام اجباری

- حقوق بازنشستگی کارمندان دولت
- فوق‌العاده حقوق و دستمزد خانوار کارکنان دولت
- حمایت درمانی کارمندان دولت

- سایر نظام‌های اشتغال محور

- مساعدت سالمندی برای کشاورزان
- بیمه سالمندی برای مشاغل آزاد

- نظام‌های مرتبط با قربانیان جنگ و دیگران

- مستمری‌های مصدومان جنگی و مزایای مرتبط
- غرامت‌ها و پرداخت‌های مرتبط
- سایر پرداخت‌های جبرانی

نظام‌های تکمیلی

نظام‌های ملی

مساعدت جوانان

خدمات بهداشت و درمان ملی

نظام‌های عمومی

مستمری‌های تکمیلی بازنشستگی کارفرمایان خصوصی

نظام‌های ویژه

مستمری‌های تکمیلی بازنشستگی کارفرمایان عمومی

نظام‌های داوطلبانه

مزایای داوطلبانه و قراردادی کارفرمایان

● سایر نظام‌های حمایت اجتماعی

مساعدت اجتماعی عمومی دولت

- ارتقاء آموزشی

- کمک هزینه مسکن

- مساعدت بیکاری

تفاوت این دو نوع طبقه‌بندی در نظام بودجه‌ریزی آلمان بدین شرح است که طبقه‌بندی ملی آلمان کم‌وبیش تکامل ساختار نهادی نظام را به‌صورت تاریخی نشان می‌دهد، اما طبقه‌بندی اتحادیه اروپا به‌عنوان یک طرح کلی برای فراهم کردن امکان مقایسه‌های کمی و ساختاری میان دولت‌های عضو شناخته می‌شود. در اینجا نیز ایجاد یک سیستم حسابداری اجتماعی متناسب با نظام‌های مشابه حسابداری بین‌المللی باید از ابتدا مد نظر قرار گیرد. هنگامی که ساختار سیستم حسابداری اجتماعی نهادی (در طبقه‌بندی ملی یا بین‌المللی و یا هر دو) وجود داشته باشد، امکان ارائه هزینه‌ها و درآمدهای سیستم از طریق نهادها و براساس طبقه‌بندی‌های متفاوت درآمد و هزینه، آنگونه که در بخش‌های ۲-۳ و ۳-۳ توصیف شد، وجود دارد.

۲-۴-۳. درآمدها بر مبنای مقوله

طبقه‌بندی‌های محتمل درآمدها در بخش‌های ۱-۲-۳ و ۲-۲-۳ در انواع «درآمدها براساس مقوله قانونی» و «درآمدها براساس بخش اقتصاد» توضیح داده شد. بر این اساس برای مؤسسات یک کشور، درآمدها ممکن است به صورت زیر، ساخت یافته باشد:

فهرست ۹.

درآمدها براساس مقوله قانونی

• حق بیمه‌های اجتماعی

- حق بیمه‌های جمعیت بیمه‌شده

○ حق بیمه‌های کارمندان

○ حق بیمه‌های اشخاص خویش فرما

○ حق بیمه‌های ذینفعان

○ حق بیمه‌های سایر اشخاص

○ حق بیمه‌های پرداخت شده توسط مؤسسات دولتی به جای ذینفعان

- حق بیمه‌های کارفرمایان

○ حق بیمه‌های واقعی

○ حق بیمه‌های نسبی

• یارانه‌ها

- یارانه‌های پرداخت شده از سوی دولت

- یارانه‌های پرداخت شده از محل سایر منابع

• سایر درآمدها

• پرداخت‌های انتقالی از سایر مؤسسات

و بصورت جایگزین یا همزمان به شکل زیر

درآمدها براساس بخش اقتصاد

• بنگاه‌ها

- بنگاه‌های بخش ۱

- بنگاه‌های بخش ۲

- بنگاه‌های بخش n

• بخش دولتی

- دولت مرکزی
- دولت‌های استانی
- دولت‌های محلی (شهرداری‌ها)
- مؤسسات تأمین اجتماعی

• خانوارها

- خانوارهای نوع ۱
- خانوارهای نوع ۲
- خانوارهای نوع m

• سازمان‌های خصوصی

- سازمان خصوصی ۱
- سازمان خصوصی ۲
- سازمان خصوصی k

• سایر

در صورت وجود پرداخت‌های انتقالی بین مؤسسه‌ای و در سطح مؤسسات منفرد، ممکن است مقادیر کل درآمدها براساس مقوله قانونی و بر مبنای بخش اقتصادی با یکدیگر برابر نباشند، زیرا جریان‌های مالی ناشی از بخش‌های اقتصادی، دریافت‌های بیرون از سیستم حمایت اجتماعی را نشان می‌دهد در حالی که پرداخت‌های انتقالی جریان‌های مالی درون سیستم را، در این حالت‌ها تفاضل میان دو مجموع ممکن است خالص پرداخت‌های دریافت‌شده (تفاضل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های انتقالی یک مؤسسه) باشد.

بنابراین در یک سطح تجمعی ثابت، سیستم حسابداری اجتماعی (کل درآمدهای دریافت‌شده حمایت اجتماعی ملی) ممکن است تفاوتی وجود نداشته باشد، ضمن اینکه این مقدار، درآمد کل دریافت‌شده از بیرون سیستم حمایت اجتماعی را بدون در نظر گرفتن جریان‌های مالی بین مؤسسه‌ای آن نشان می‌دهد.

۳-۴-۳. هزینه‌ها براساس مقوله

طبقه‌بندی‌های محتمل هزینه‌ها در بخش‌های ۱-۳-۳ و ۲-۳-۳ در انواع حالت‌های «هزینه بر مبنای مقوله اقتصادی» و «هزینه بر مبنای کارکرد اجتماعی» توصیف شدند. بر این اساس هزینه‌ها برای هر کدام از مؤسسات یک کشور ممکن است به‌صورت زیر ارائه شود:

فهرست ۱۰.

هزینه‌ها بر مبنای مقوله اقتصادی

- جایگزینه‌ای در آمدی (مزایای نقدی)
- بازپرداخت‌ها (نقدی)
- کالاها و خدمات (غیر نقدی)
- خدمات عمومی

- اداری

- حمایت‌های خاص

- کمک‌های مالی بلاعوض

• پرداخت‌های انتقالی به سایر مؤسسات

و به صورت جایگزین یا همزمان به شکل زیر:

• سالمندی و بازماندگان

- سالمندی

- بازماندگان

• بهداشت و درمان

- پیشگیری و توانبخشی

- بیماری

- آسیب ناشی از کار و بیماری شغلی

- از کارافتادگی

• خانواده

- کودکان و جوانان

- بارداری

- سایر کارکردهای خانواده

• اشتغال

- آموزش شغلی

- تحرک شغلی

- بیکاری

• مسکن

• نیازمندی عمومی (فقر)



• سایر کارکردها

در اینجا نیز در حالت وجود پرداخت‌های انتقالی بین مؤسسه‌ای و در سطح مؤسسه منفرد، ممکن است مقادیر کل هزینه‌ها در دو نوع طبقه‌بندی با یکدیگر برابر نباشند، زیرا جریان‌های کارکردی مالی مقادیر مستقیم یا غیرمستقیم موجود برای خانوارها را نشان می‌دهد، در حالی که پرداخت‌های انتقالی جریان مالی درون سیستم حمایت اجتماعی را. در این حالت تفاضل میان دو حاصل جمع، خالص پرداخت‌های انتقالی یک مؤسسه را نشان می‌دهد (تفاضل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های انتقالی مؤسسه). بنابراین در سطح تجمعی ثابت، سیستم حسابداری اجتماعی ممکن است تفاوتی وجود نداشته باشد (همانگونه که در بخش درآمدی سیستم حسابداری اجتماعی نیز وجود نداشت).

جمع‌بندی

بر اساس رویکرد سازمان بین‌المللی کار^۱ که مورد تأکید کتاب است، مدل بودجه اجتماعی دارای زیرمدل‌های مختلفی است که می‌توانند به صورت همزمان و یا به طور مستقل برای اهداف جداگانه به کار گرفته شوند. این مدل‌ها عبارتند از: مدل جمعیت‌شناختی و مدل عرضه نیروی کار که به ترتیب برنامه‌ریزی برای جمعیت و نیروی کار را برعهده دارند؛ کارکرد مدل اقتصادی برنامه‌ریزی تولید ناخالص داخلی، قیمت‌ها، حقوق و دستمزد، بهره‌وری نیروی کار، تقاضای کار، بیکاری و... است که تأثیر مستقیمی بر سیستم حمایت اجتماعی دارند؛ مدل بودجه دولتی، درآمدها و هزینه‌های سطوح متفاوت اداری دولت را نشان می‌دهد و مدل حمایت اجتماعی شامل زیرمدل‌های بازنشستگی، بهداشت و درمان، بودجه اجتماعی و سایر زیرمدل‌ها است.

مدل حمایت اجتماعی اساس مدل‌سازی بودجه اجتماعی است که هزینه‌ها و درآمدهای شاخه‌های اصلی نظام حمایت اجتماعی را نشان می‌دهد. هدف مدل بودجه اجتماعی تأکید بر بخش اجتماعی کشورهاست نه تأکید بر حوزه سیاست‌های مالیاتی و یا انواع هزینه‌های دولت. اما بخش قابل توجهی از هزینه‌های اجتماعی مستقیماً در قالب بودجه دولت تأمین می‌شود؛ نظیر مراقبت‌های بهداشتی، مساعدت اجتماعی، مزایای مسکن، مزایای خانواده و...

تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نظام حمایت اجتماعی هر کشور از برنامه‌ریزی جمعیتی، اقتصادی و سیستم پولی و مالی است، لذا توجه به این رابطه در طراحی هر مدلی برای تأمین هزینه‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. نویسندگان تلاش کرده‌اند تا در حد امکان دیدگاهشان را در ارائه روشی متدولوژیک برای گردآوری و تحلیل داده‌ها و همچنین کمک به ارتقای قابلیت سنجش و ارزیابی نظام‌های حمایت اجتماعی در میان کشورها، به شکلی روشن و قابل فهم صورت‌بندی کنند.

مدل بودجه‌ریزی اجتماعی سازمان بین‌المللی کار

